

غیر از انسان نسبت به هیچ یک از موجودات سخن از جامعیت و جامع بودن و مظهر اسم اعظم خدای تعالی شدن نیست.

بحث را خوب دقت کنید تا از دست ندهید

تنها انسان است که می تواند مظهر اسم الله؛ اسم اعظم خدا بشود امکان دارد یک موجودی مظهریت یکی از صفات را داشته باشد ولی این که انسان بتواند مظهر همه اسماء شود و جامع باشد مختص انسان است.

نبی مکرم شخصیت شان این گونه است کنج و جامع است لذا هیچ کدام نمی توانند از راه همه کمالات به سمت خدای تعالی صیر کنند صیوروت یعنی شدن

تنها انسان است که می تواند صیر و صیوروت داشته باشد و بشود

مکرر راجع به سیر و صیر صحبت کردیم سیر یعنی از اینجا می خواهید بروید میدان امامت یا ما شین می گیرید و یا پیاده قدم زنان به میدان می رسید این سیر است یعنی از این مکان به آن مکان

صیوروت شدن است. شما همین جا که نشسته اید و این کلمات را که یاد میگیرید با قبل از اینکه این کلمات را یاد بگیرید فرق داشتید حالا این کلمات را یاد گرفتید و یک چیزی شدید یعنی یک چیزی نسبت به قبلتان تغییر کرد و بزرگ تر شدید و روحتان بیشتر شد و فکرتان بهتر شد و چاق شدید چاق علمی منظوم است وگرنه چاق بدنی خوب نیست سعی کنید لاغر بمانید.

کل سمین المریض الا ما خرج به دلیل سمین یعنی چاق یعنی همه چاق ها یک بیماری دارند مگر استثنا بعضی از چاق ها بیمار نیستند وگرنه چاقی معمولا بیماری است و کل نحیف سالم الا ما خرج به دلیل لاغر ها همه آنها سالم هستند مگر این که دلیل خاصی داشته باشد. چاق معنوی عیبی ندارد تا می توانید چاق معنوی بشوید

صیوروت شدن است این که نبودم الان هستم جریان انسان یک جوری است که خدای تعالی خودش را با همه اسماء و صفات خودش ستایش می کند و به انسان ها می فرماید که از هر سو که بروید من را درمیابید.

خوب دقت کنید این بحث ما قرآنی است و من آیات قرآن را کنار هم میچینم تا برای شما بحث را بگویم

شما از هر طرف که بیاید من را پیدا می کنید در آیه ۱۱۵ از سوره مبارکه بقره می فرماید **وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ** هر طرف که شما نظر بیندازید وجه خدا است و خدا را پیدا می کنید

شما با بنده که مواجه می شوید و من با شما که مواجه می شوم وجه شما را می بینم وجه شما و شما هم وجه من یعنی آن صورتی که بیان می کند من چه کسی هستم و آن صورتی که بیان می کند شما چه کسی هستید آن می شود وجه شما ولو اینکه از پشت شما برخورد کنم می شناسم که شما چه کسی هستید آن هم وجه است. شما به هر سمت که نگاه کنید وجه خداوند است غیر از خدا مگر میبیند؟ هر کجا را نگاه کنید

خداوند را می بینید. البته انسان باید به این باور برسد خداوند مشرق و مغرب دارد شما در کره زمین هر طرفش نسبت به خودتان که بایستید مشرق و مغرب است لذا در بعضی جاها می گوید المشارق و المغرب چون هرجایی نسبت به جایی مثلاً همان مغرب نسبت به این طرف می شود مشرق و نسبت به آن طرفش می شود مغرب و همان طور جلو بروید می شود و المشارق و المغرب و اگر هم نسبت به خودتان کل را ببینید یک مشرق و یک مغرب است فرقی نمی کند مشارق و مغارب وجود دارد مشرق و مغرب وجود دارد اما هر جا که نگاه کنید وجه خدا را می بیند لذا خود خدا به ما دستور می دهد که از راه تمام اسماء حسناى الهی به سوی من بیايید وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوهُ بِهَا ببینید از کجا شروع شد خدای تعالی سراسر هستی را گرفته است و همه هستی تسلیم خدا است و همه هستی مسبح خدا است و همه هستی در مقابل خدا سجده می کنند این خدا اسماء حسناىی دارد که به هر سمت که نگاه کنید خدا را می بینید

انسان در این دایره موجودی است که می تواند همه اسماء الهی را برای خودش کسب کند انسان تنها در برابر یک راه قرار ندارد بلکه از همه راه ها می تواند به سمت خدای تعالی حرکت کند خود خدا فرمود و همه اسماء حسناى الهی را می تواند درک کند و همه اسماء حسناى الهی برای انسان می تواند مصیر لقاء الله باشد یعنی آن را بگرداند و بشود به وسیله آن اسم و صفت خدا فانی در خدا شود.

یک نکته بگویم دقت کند اسم و صفت اگر حَسَن باشد یا غیر حَسَن در هر دو صورت نسبت به خداوند تبارک و تعالی منتفی است خداوند نه اسم غیر حَسَن دارد و نه صفت غیر حَسَن و نه صفت حَسَن دارد و نه اسم حَسَن. حَسَن نه به معنا اسم بلکه به معنای نیکو است

چرا؟ چون اسم و رسمی که حَسَن و حَسَن باشد نقص و عیب است صفت سلبیه است. ذات خدا از هر عیب و نقصی منزّه است و اصلاً تسبیح یعنی این وقتی ما می گوئیم سبحان الله یعنی خداوند منزّه است از هر عیب و نقص و کمی و کاستی و هر چیزی که حَسَن نیست. حَسَن چگونه؟ صفات حَسَن هم از ذات خداوند دور است چون کمال هایی که تصور می کنیم مثلاً علم، قدرت، جمال همه این ها کمال است کسی که عالم است اما این علم محدود است و این علم محدود حَسَن است این قدرت محدود حَسَن است جمال حضرت یوسف در اوج جمال محدود است حَسَن است اما چون محدود است نمی تواند صفت ذات خداوند باشد لذا صفت حَسَن هم از خداوند دور است.

تقدیس خدای تعالی یعنی خدا را تنزیه می کنیم می گوئیم خدا منزّه است از این کمالات محدود. تسبیح یعنی تنزیه خدا از آن چیزهایی که نقص و عیب است یعنی سبحان الله

یک وقتی می گوئیم تقدیس می کنیم و می گوئیم علو و برتری دارد و مقدس است این تقدیس یعنی که خدا تعالی منزّه است از این کمالاتی که محدود است.

آنچه برای خدا ثابت است خوب ترین و زیباترین اسماء و صفات است یعنی أَحْسَن نه حَسَن یعنی حُسنا نه حُسَن

أَحْسَن و حُسْنَا مثل فعل و فعلا مذکر و مونث است اکبر، کبری و اصغر، صغری به این ها در عربی افعال و تفعیل به آنها می گویند خوب و خوب تر همیشه خوب تر یک دانه است

دیدید در محاورات می گویند فلانی اعلم تر از دیگری است این حرف غلط است اعلم یک دانه داریم، اعلم یعنی تر خودش اعلم تر دیگر نداریم

باید بگویم این آقا از آن آقا اعلم است نه اعلم تر است یا باید بگوییم عالم تر است اگر هم بخواهیم باید به عالم "تر" اضافه کنیم وگرنه نمی شود گفت اعلم تر

اعلم است اتقاء است فلانی با تقوا است این اتقاء است یا اورع است یعنی فلانی ورع دارد این اورع است

مونث آن فعلی است مثل کبری و صغری همان مثل اکبر که کبیر است کبری هم کبیر است اما چون لفظ به خاطر جمله مونث می شود مونث شده است

حالا این صفات و اسماء حَسَن برای خدا نیست بلکه أَحْسَن برای خداوند است حُسْنَا برای خداوند است لذا فرمود وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوهُ بِهَا اگر هم خواستید راه بیافتید بیاید طرف خدا با همان اسماء حسنی بیاید چون همه خوب ترین ها برای خدا و دست خداوند است.

خدای تعالی از همه انسان ها می خواهد که او را با همه اسماء حسنی بخوانند او نگفت وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوهُ بِهَا یعنی هرکسی از هر راهی و از هر اسمی از اسماء خدا به لقاء خدا می رسد این گونه است خیلی گسترده است پس انسان کامل انسانی است که همه درها به روی او باز است.

انسان کامل این گونه است که خداوند را با همه اسماء و صفاتش می خواند همان طور که در دعا داریم شما در شب های ماه رمضان دعا زیاد می خوانید ابوحزمه دعای امام سجاد و دعای امام باقر اتفاقاً در همین دعای امام باقر که به روایت امام رضا علیه السلام است می گویند اللهم انی ا سئلك من اسماک به اکبرها و کل اسماک الکبیره اللهم انی ا سئلك من اسماک کلها یعنی می گوید همه اسماء نگفت من الاسماء و یکی از اسماء گفت همه اسماء

این بحث را خوب یاد گرفتید؟ پس ما یاد گرفتیم که خدای تعالی اسماء و صفات حسنیایی دارد و انسان در این دایره خداوند به او اجازه داد با هر اسم و صفتی از اسماء او خدا را بخوانیم که این یک بحث معرفتی بود این یک قسمت گفتم می خواهم چند قسمت بگویم و در آخر خودتان همه را به هم بچسبانید.

و قسمت دوم که در این جا هم چند آیه را در کنار هم می خوانیم یکی از چیزهایی که به ما سفارش شده است انفاق است بخشش است.

بخشش ها یک بعدی نیست ابعاد مختلفی دارد در بین انفاق ها و بخشش ها که در راه خدا انجام می گیرد کم ارزش ترین انفاق ها انفاق مالی است یعنی شما پولی به فقیری بدهید. این کم ارزش ترین انفاقی است که کسی می تواند بکند

این جا را خوب دقت کنید این کم ارزش ترین انفاقی که در مقابل انفاق جان است کسی می رود جلو می ایستد که تیر بخورد تا به دیگری نخورد او دارد خوب انفاق می کند یا کسی که هزار تومان می دهد تا کسی از گرسنگی نمیرد؟ آن که انفاق جان می کند ارزشش خیلی بالاتر است از کسی که دارد یه مقداری پول به کسی کمک می کند لذا بررسی که می کنیم می بینیم کم ارزش ترینش همان پولی است که به فقیر داده می شود

خود همین کم را هم ببینیم در قرآن چقدر است، خدای تعالی می فرمایند یک درهم انفاق کردند یا یک سکه انفاق کردند حالا سکه هر کدام از ما ها باهم فرق دارد برای من ۱ تومنی و برای شما بهار آزادی است و برای دیگری ۵ تومنی است.

خدای تعالی می فرمایند اگر کسی یک مقداری را انفاق کند او مثل کسی است که دانه ای را کاشته است و از این دانه ۷ خوشه رویده است که هر کدام از این خوشه ها ۱۰۰ دانه دارد یعنی یک دانه که کاشت ۷۰۰ تا برداشت می کند آیه ۲۶۱ از سوره مبارکه بقره که من این آیه را دارم توضیح می دهم

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ مثل آن کسانی که در راه خدا کمک مالی می کنند که گفتیم پایین ترین کمک مالی است کَمَثَلِ حَبَّةٍ که مثل دانه ای میماند یک دانه گندم را رها کنید در رطوبت می پوسد و از بین می رود که مثل آن دانه ای می ماند که أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ ۷ تا سنبله و خوشه از آن بیرون می آید. فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ هر شاخه ای صدتا دانه دارد که می شود ۷۰۰ تا بعد خداوند تعالی می فرمایند که ما این ۷۰۰ تا را دو برابر می کنیم وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ یعنی می شود ۱۴۰۰ تا یعنی شما هزار تومان کمک میکنید یا یک میلیون هر چه که شد ۱۴۰۰ برابر خداوند به شما پاداش می کند.

بحث به این جا هم تمام نمی شود و بعد این را می آورد می چسباند به فضل گستره علم خودش و راه را برای هزاران برابر کردن باز می کند ادامه آیه این است که وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ یعنی خدای که علیم است گسترشش می دهد یعنی این گستره را وصل می کند به علم خودش که بی نهایت است و انتها ندارد

یعنی یک درهم تو را من می دانم که باید چقدر پاداش بدهم این که میگویم ۲ برابر و ۷۰۰ برابر و ۱۴۰۰ برابر این ها مربوط به این است که شما مقداری متوجه بشوید که یعنی چه وگرنه این کمکی که تو برای خاطر خداوند کردی فی السبیل الله را یادتان باشد چون یه وقت من می بینم دارند نگاه می کنند من آن طرف را صدا می کنم و یک درهم بهش میدهم و می گویم الحمدلله مردم فهمیدند من اهل خیر هستم من به این کارها می گویم ریای خالصانه در کمال اخلاص ریا می کنند.

اما آن که واقعا فی سبیل الله است آن که امیرالمومنین داشت همان که آیه قرآن می فرماید یک دستشان کمک می کند و دست دیگر نمی فهمد آن گونه این را خدای تعالی وصلش کرد به وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ این پاداش پایین ترین مرتبه انفاق است انفاق مالی

حالا فرض کنید پاداش کسی که خدمات دینی و علمی دارد و کسی که بذر محبت خدا را در دل انسان ها می کارد و با زلال حکمت آن را آبیاری می کند و گمشدگان را به مقصد می رساند مانند علمای ربانی و اولیا خدا و یا مثل آیت الله بهجت و یا آقای بهالدینی این افراد سود را می برند خود شما هم اگر این مطلب را یاد میگیرید به دیگری یاد بدهید از آن پولی که در راه خدا می دهید ارزشش خیلی بیشتر می شود.

نه اینکه بگویند من دیگر پول نمی دهم و هرچه بخواهید برایت حدیث می خوانم اما پول نمی دهم نه این و این گونه نه باید هردوتاش باشد.

در حالات رسول خدا دقت کنید که به هنگام گفت و گو با دیگران همه چهره خودش را به شنونده نشان میداد حضرت به سمت کسی که حرف می زد بر میگشت و می گفت شما چه می فرمایید؟ این گونه بودند یعنی تمام صورتشان را بر میگرداند به طرف آن شخصی که سوال داشت ما اگر تربیت بشیم این ها چیزهای ظاهری است. اما این معنا در شرحش بزرگان و علما این حدیث را شرح کردند این که حضرت نیم رخ با کسی سخن نمی گفت گفتند شیوه پیغمبر خدا همان سنت خداوند است چون رسول خدا تربیت شده خدا است. هرچه خدا دارد رسول خدا دارد خدای سبحان با همه کمالاتش خودش را به مردم نشان داده است و هرگز نیم رخ خودش را به مردم نشان نداده است آن اسما الحسنی را یادتان باشد.

دو نوع تبعیض در خدای تبارک و تعالی وجود ندارد: نه با بعضی از اسما خود ظهور کرده نه از بین انسان ها با بعضی سخن گفته است این تبعیض را ندارد. خدای تعالی هم ظهورش همه جایی است و هم گفت و گوی او همگانی است با همه سخن گفته و همه خودش را به همه نشان داده است. نگفته به یک عده نشان می دهد و به یک عده نشان نمی دهد البته اگر کسی شایستگی خودش را از دست داد و همه زیبایی هایی که خدای تعالی دارد را ندید گرفت و پشت کرد به این زیبایی ها هم از آن جلوه همه جایی محروم می شود و هم از آن گفت و گوی همگانی او خودش را محروم کرد خدای تعالی در آیه ۷۷ سوره بقره فرمود به این که نه خدا با او سخن می گوید و نه به سوی او نگاه می کند و نه از آلودگی گناهانش او را پاک می سازد. همان خدایی که با همه جلواتش به همه رخ نشان داده گرچه ظاهر آیه راجع به قیامت است ولی از نفسی که در آیه است و نفی این توجهات در عالم آخرت چنین به دست می آید که این شخص از فیض آن چنانی در دنیا خودش را محروم کرده بود که در آخرت دیگر چنین جلوه گری برایش خدا ندارد مثل همان آیه ای که مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى

روز قیامت کور محشور می شود و می گوید خدایا چرا مرا کور محشور کردی؟ اما من در دنیا بصیر بودم و چشم داشتم پاسخ داده می شود که در دنیا تو آیات ما را چشم پوشی کردی در اینجا کور هستی

در دنیا برای تو این همه مطلب گفتیم چشم پوشی کردی و از کنار این مطالب گذشتی حالا حقیقت تو در این دنیا بروز می کند کور نسبت به معارف بودی اینجا هم کور هستی

آخرین محصول انسان کوشش در دنیا است پس خدای تعالی گروهی را با نگاه عنایی و تشریفی اینکه می گوئیم خدا تمام رخ نگاه نمی کند اینجا عنایتی دارد و اما اگر کسی را نگاه کرد تمام چهره نگاه می کند.

صاحبان انفاق انفاق علمی و دینی از همچنین پاداشی برخوردار هستند که صد هزار دیده ملکوتی در جان این ها گشوده می شود و این پاداش بزرگ که شهود خدای تعالی است و این مقام بلند خلافت الهی برای یک همچنین افرادی حاصل خواهد شد که یک مرتبتی است که عظمت او با آسمان و زمین هم سنجیده نمی شود.

شرط لازمه این کار تطهیر اعضاء است این ها را مقدمه گفتم که به این دو و سه کلمه آخر برسیم

شرط این مقام این است که شما اعضاء و جوارحت تطهیر و طاهر باشد اوج او در نماز است لذا بزرگانی مثل مرحوم سید حیدر که از علما ربانی و عرفا هستند گفتند به هنگام نماز آن اندازه فیض الهی نسبت انسان می شود که با عمر نوح هم نمی توان گوشه ای از آن را برشمرد

یعنی عمر نوح را به شما بدهند مثلاً شما هزار سال بنشین و ثواب یک نماز را از صبح تا شب بشماری تمام نمی شود

کسی هنگام نماز آن مقدار فیضی که خدا به انسان نماز گزار نصیب می کند عمر نوح داشته باشی و بشماری آن فیض تمام نمی شود.

نماز مناجات با خدا است، المصلی یناجی ربه کسی که نماز می خواند با خدا مناجات می کند خلوت با خدا است چیزی که در این خلوت با خدا به دست می آورد در هیچ چیز دیگری به دست نمی آید این راهی است که اهل بیت رفته اند و ما را هم آگاه کرده اند مثل حضرت امام رضا که در تشریح وضو مطالب و معارفی علت های اعمال وضو را بیان کردند این که چرا دست هایمان را می شوئیم چرا سر و پاهایمان را مسح می کشیم، حکمت هایمان را ببینید.

پس می شود این را گفت که خداوند بر اساس آیه ۶ از سوره مبارکه مائده یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ این را می فهمیم که چرا وقتی می خواهیم به سمت خدا برویم اعضایمان طاهر باشد البته اعضا و جواهر نماز گزار شست و شو پیدا می کند بعد با اعضای پاک به حضور خدای تعالی شرف یاب می شود بعد خداوند تعالی می فرماید حالا که این گونه آمده ای بهش فرمان می دهد با من سخن بگو و از من بخواه بله

پشت ظاهر این دست و صورت و پا هم حقایقی هست و وظایفی هست لذا خدای تعالی در جایی از همه این اعضا و جوارح ما به عنوان مسئول یاد میکند إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا آیه ۳۶ سوره مبارکه اسراء

در مواردی هم به شهادت اعضا و جوارح انسان در علیه او که شهادت می دهند اشاره می کند در آیه ۶۵ سوره یاسین **أَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ**

این اعضا و جوارح ما ابزار آلات رشد و کمال است با همین اعضا و جوارح است که به اسما خداوند توجه می کنیم و خدا را می خوانیم یاد می گیریم و عمل می کنیم و انفاق می کنیم

این آیات هشدار است که اعضا باید از آلودگی گناه پاک باشد چشم ما، گوش ما، زبان ما دست ما پای ما فکر ما قلب ما وقتی این ها پاک شد و تطهیر شد انسان با یک طهارتی آمد آن زمان خدا بلافاصله دستور می دهد حالا که پاک شده ای رکوع کن ، سجود کن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ آیه ۷۷ از سوره مبارکه حج

وگرنه اصلا فرصت نمی کنی که اسماء خداوند را ببینی و خدا با تمام چهره اش با تو مواجه شود باید اعضا تو پاک باشد باید از گناه دور باشد اگر این تطهیر حاصل شد

که بهترین حالت صلاه است این صلاه که انسان می خواهد با خداوند مواجه شود لازمه آن تطهیر اعضا است یک تطهیر اعضا ظاهری داریم و یک تطهیر اعضا باطنی داریم این است که گناه نکنیم

اگر در ظاهر و باطن گناه نکردیم تو را به مرحله بعد که سجود و رکوع و بندگی خداوند است راه می دهند وگرنه نماز و روزه ای که میگیریم بندگی نیست که

در این حالت است که هر کار خوبی را برای او لااقل ده حسنه حساب می کنند اینجا است که ده می شود.

چون همچین انسانی است که می تواند اعمال حسنه خود را ببرد لذا نگفت کسی که عمل حسن انجام بدهد گفت کسی که بتواند اعمال خود را بیاورد

این همه کار خیر میکنیم در این انجام گاهی به ریا و گفتن کار به دیگران مبتلا می شویم به منت و اذیت مبتلا می شویم کسی نمی تواند اعمال خود را ببرد خرابش می کنیم و همین جا می گذاریم

کسی که بتواند اعمال را بیاورد مهم است قبل از این اگر شوق به راز و نیاز با خداوند و کسب علم محدود بود وقتی این حالت ها برای انسان معلوم می شود آن پاداش چندین برابری و آن حالاتی که خدای تعالی برای انسان می خواهد و آن همه اسماء و صفتی که برای انسان بروز می کند و آن چهره ای که خداوند خودش را به ما نشان می دهد انسان رغبت می کند و می فهمد این شعر را که با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

اما ما چشم را بر این همه معرفت و این همه نور می بندیم

از خدا می خواهیم دل ما را ظرف معارفش قرار دهد و توفیق عمل به همه ما عنایت کند